



مثل پیامبر (ص)

• مریم اسلامی

می خواستم مثل تو باشم
گلدان گل راناز کردم
مادر بزرگم بی رمق بود
سجاده اش را باز کردم

در جاده آسیبی تشنه دیدم
بردم برایش کاسه ای آب
ساکت نشستم توی ماشین
تا نپرد مامانم از خواب

رفتم کمک کردم به بابا
وقتی خودم بیکار بودم
داداش، کیفش را به من داد
خیلی امانت دار بودم

می خواستم مثل تو باشم
دیدم که باید مهربان بود
از مهربان بودن چه بهتر؟
این کشفِ رازی از جهان بود*

بوی برف

• محبوبه صمصام شریعت

وعده داد آسمان که می بارد
بر تن خشک شاخه ها امشب
با تمام وجود حس کردم
بوی دلچسب برف را امشب

چای لبریز و داغ می چسبد
توی ایوان به زیر بارش برف
آسمان را ببین چه پر بار است
پراز احساس و شعر و جمله و حرف

خرمن او پراز بلور قشنگ
دامنش هم سپید و رویایی
اصلاً این ها همه به خاطر توست
ای زمستان چقدر زیبایی



* پیامبر (ص):

هر کس در برطرف کردن
نیاز مسلمانی به خاطر خدا
کوشش کند، خداوند بزرگ برای
او هزار هزار حسنه می نویسد.
منبع: کافی، ج ۲



ناخدای مهربان

• عبدالرضا صمدی

ناخدا با کشتی‌اش
روی اقیانوس بود
چشم‌های گرم او
رو به یک فانوس بود

ناخدای مهربان
تا طلوع آفتاب
راند کشتی را جلو
از سر امواج آب

روی ساحل پا گذاشت
ناخدا از این سفر
چشم‌های دختری
پر شد از عکس پدر

مثل دریا

• نسرین شهبازی

مثل دریا ساده‌ای
مثل دریا بی کران
روشن و بخشنده‌ای
پر خروش و مهربان

آسمان پیدا شده
در نگاه روشنت
موج شادی می‌رسد
لحظه‌ی خندیدنت

مثل رودی جاری‌ام
تا تو دریای منی
غرق در آرامشم
چون تو بابای منی

پف پفی

• فاطمه غلامی

گاهی شبیه یک کلاغی
گاهی شبیه بادبادک
گاهی بزرگی مثل یک فیل
گاهی شبیه موش، کوچک

دست تو در دستان باد است
سر می‌زنی با او به هر سو
گاهی سیاهی مثل یک زاغ
گاهی سفیدی مثل یک قو

هم با درخت و گل رفیقی
هم دوستی با کوه و دریا
از بس که خوب و مهربانی
هی می‌شوی مانند آن‌ها

فرقی ندارد رنگ و شکلت
من دوستت دارم فراوان
ابری قشنگ و پف پفی که
با تو می‌آید برف و باران

